

آیت‌الله مصباح یزدی

بیوگرافی

آیت‌الله مصباح یزدی، فقیه، فیلسوف، مفسر قرآن و از اندیشمندان و اساتید حوزه‌ی علمیه قم بود. پست‌های تحت تصدی: ریاست موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی و عضویت در مجلس خبرگان رهبری، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم و شورای عالی انقلاب فرهنگی و ریاست شورای عالی مجمع اهل‌بیت از سوابق او بود. وی از بهترین نظریه‌پردازان و مدافعان نظریه‌ی ولایت‌فقیه در ایران بود.

آثار و کتب آیت‌الله مصباح یزدی

وی دارای تألیفات و آثار متعددی در زمینه‌های فلسفه‌ی اسلامی، الهیات، اخلاق و عقاید بود که از جمله‌ی این آثار می‌توان به کتاب‌هایی که توسط ایشان منتشر شده به شرح زیر اشاره نمود:

- اخلاق در قرآن (۳ جلد)
- آذرخشی دیگر از آسمان کربلا
- اصلاحات، ریشه‌ها و تیشه‌ها
- آفتاب ولایت
- آموزش عقاید (۳ جلد)
- آموزش فلسفه (۲ جلد)
- انسان‌شناسی در قرآن
- انقلاب اسلامی، جهشی در فرایند تحولات بین‌الملل
- ایدئولوژی تطبیقی
- بر درگاه دوست
- به‌سوی او
- به‌سوی خودسازی
- پاسخ‌های استاد به جوانان پرسشگر
- پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک (۶ جلد)
- پرتویی از امامت و ولایت در قرآن کریم

- پرسش‌ها و پاسخ‌ها (جلد ۵)
- پند جاوید (جلد ۲)
- پندهای امام صادق (ع) به رهجویان صادق
- پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی
- تعدد قرائت‌ها
- تفسیر معارف القرآن
- تهاجم فرهنگی
- توحید در نظام عقیدتی اسلام
- جامعه و تاریخ در قرآن
- جامعیت قرآن
- جامی از زلال کوثر (شخصیت حضرت فاطمه زهرا)
- جنگ و جهاد در قرآن (جلد ۲)
- جهان‌شناسی در قرآن
- جوانان و مشکلات فکری
- چکیده‌ی چند بحث فلسفی
- چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی
- حقوق و سیاست در قرآن
- خداشناسی در قرآن
- خودشناسی برای خودسازی
- در پرتو آذرخش
- در پرتو ولایت
- دروس فلسفه
- دروس فلسفه اخلاق
- دین و آزادی
- راه‌شناسی در قرآن
- راهنما شناسی در قرآن
- راهیان کوی دوست
- ره‌توشه (جلد ۲)
- زن، نیمی از پیکر اجتماع
- سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت
- شرح الهیات شفا (جلد ۲)
- شرح برهان شفا (جلد ۴)

- شرح جلد اول اسفار اربعه (۲ جلد)
- شرح جلد هشتم اسفار اربعه (۲ جلد)
- شرح نهاییه الحکمه (۲ جلد)
- شکوه نجوا
- عبرت‌های خرداد
- فلسفه اخلاق
- قرآن در آینه نهج‌البلاغه
- قرآن‌شناسی (۲ جلد)
- قلمرو دین
- کاوش‌ها و چالش‌ها (۲ جلد)
- گفتمان روشنگر
- مباحثی پیرامون حوزه
- مباحثی پیرامون عرفان
- معرفت‌شناسی انتقادی
- نجوای عاشقانه
- نظریه حقوقی اسلام (۲ جلد)
- نظریه سیاسی اسلام (۲ جلد)
- نقد و بررسی مکاتب اخلاقی
- نقدی فشرده بر اصول مارکسیسم
- نقش تقلید در زندگی انسان
- نگاهی گذرا به نظریه ولایت‌فقیه
- یاد او (ذکر و ذاکران در کلام امیر مؤمنان)
- یاد تو.

مبانی و بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی، یکی از علمای برجسته و مشهور دینی در ایران بود که در حوزه تفسیر، فقه، عرفان و علوم اسلامی فعالیت می‌کرد. او بیشتر به‌عنوان مفسر و تفسیرکننده قرآن مشهور است. بنیادهای نظری او در حوزه دین و فلسفه اسلامی به شرح زیر است:

۱. وحدت و توحید الهی: آیت‌الله مصباح یزدی، از اصولی‌ترین مبانی دینی به شمار می‌رود که به آن توجه دارد و به‌عنوان اساس اسلام و مبنای همه احکام و اعتقادات اسلامی می‌داند. وی به توحید و وحدت الهی، به مفهوم یکتایی و عدم شریک پرستی خداوند، تأکید داشت و به‌عنوان اساس وجودی و عقلی‌تر انسان و هدف نهایی وجود او، آن را برای حفظ اخلاقی و آداب و سیره اسلامی و همچنین تحکیم از داخل و مقابله با انحرافات و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، مهم‌ترین اصل مذهبی دانست.

۲. عدالت اسلامی: آیت‌الله مصباح یزدی، به عدالت و انصاف در نظام اسلامی تأکید داشت و از آن به‌عنوان یکی از اصول حیاتی و مهم دینی، اقتصادی و سیاسی اسلام برای تحقق نظامی پایدار و عادلانه اجتماعی استفاده کرد. وی به توجه به حقوق مسلمانان، نظام آموزشی و بهداشتی، توزیع عادلانه ثروت و منابع و عدم تفاوت در برخورد با افراد مختلف از جمله غیرمسلمانان، تأکید داشت و اعتقاد داشت که تحقق عدالت، به‌عنوان یکی از مشکل‌ترین و همچنین مهم‌ترین چالش‌های جامعه، اساسی برای تحقق امنیت، ثبات و آرامش اجتماعی است.
۳. استقلال فکری: آیت‌الله مصباح یزدی، به‌عنوان یکی از علمای برجسته اسلامی، از استقلال فکری حمایت کرد و تأکید داشت که باید به اصل استناد به عقل و استناد به دلیل و مستندات و منابع علمی و اسلامی رعایت کرد. او بر این باور بود که هرگونه اعتقاد و عقیده‌ای باید بر اساس تحلیل و استدلال صحیح و مستند به منابع و معتبر باشد و نباید بدون اثبات و مستند بیان شود.
۴. تربیت اخلاقی و روحانی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تربیت اخلاقی و روحانی برای افراد جامعه تأکید داشت و این را به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین وظایف دینی و اجتماعی دانست. وی به تربیت شخصیتی متعادل و هماهنگ برای افراد جامعه، با تأکید بر اخلاقیات اسلامی، ایمان و عمل مؤمنان و رشد روحی و دینی آن‌ها، تأکید کرد. او به اهمیت خواندن و فهمیدن قرآن و رعایت احکام و آداب دینی برای رشد روحی و دینی افراد، تأکید کرد. همچنین، او به تربیت اخلاقیاتی همچون شجاعت، صداقت، امانت‌داری، تواضع، بخشش و مراقبت از نیازهای دیگران، تأکید داشت.
۵. استقرار نظام اسلامی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تحقق نظام اسلامی در جامعه تأکید داشت و به‌عنوان یکی از اهداف اسلام، برای رسیدن به سعادت و خوشبختی انسان‌ها، آن را ضروری دانست. وی باور داشت که اسلام، نظامی جامع و کامل برای اداره جامعه است و باید به‌عنوان یک نظام فراگیر و جامع برای اقتصاد، سیاست، اجتماع و زندگی انسان‌ها به کار گرفته شود. او به تحقق این نظام در جامعه ایران و سایر جوامع اسلامی تأکید داشت و برای رسیدن به این هدف، به تربیت نیروهای کارآمد و قادر به تحقق این اهداف، تأکید داشت.
۶. همکاری و همبستگی اسلامی: آیت‌الله مصباح یزدی، به مفهوم همکاری و همبستگی اسلامی بین مسلمانان در سطح جامعه و جهان اسلام تأکید داشت. او به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دینی، همکاری و همبستگی بین مسلمانان را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیشرفت جامعه دانست. وی به تأکید بر وحدت اسلامی و حفظ و تقویت ارتباطات بین مسلمانان در سطح جهان پرداخت.
۷. روابط انسانی: آیت‌الله مصباح یزدی، به روابط انسانی و عملکرد مؤمنین در جامعه توجه داشت و بر آن تأکید کرد. وی به تأکید بر رفتارهای محترمانه و احترام‌آمیز و همچنین به تقوا و تعهد به اخلاقیات اسلامی تأکید کرد. برای او، روابط انسانی باید بر اساس احترام و محبت به دیگران، صداقت و دقت در بیان و تواضع و حسن خلق برای برقراری ارتباطات صحیح و مؤثر با دیگران، بسیار مهم است.
۸. تأکید بر علوم اسلامی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر علوم اسلامی و دانش‌های دینی توجه داشت و به آن‌ها به‌عنوان مبانی و اساس برای تحقق همه اهداف و ارزش‌های دینی اشاره کرد. وی به تأکید بر توسعه علوم دینی و نیز ترویج و تحقیق در زمینه‌ی قرآن، حدیث، فقه، عرفان و تفسیر، تأکید کرد و به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای فهم بهتر دین و تحقق اهداف دینی، آن را دانست.

۹. تأکید بر آزادی انسان: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر آزادی انسان و احترام به حقوق انسانی توجه داشت و به آن به‌عنوان یکی از اصول اساسی دینی و اجتماعی اشاره کرد. وی به عقیده داشت که آزادی انسان، به معنای آزادی فکری و عملی و همچنین آزادی از هرگونه ستم و استبداد، اساسی برای تحقق اهداف دینی و اجتماعی است. او به تأکید بر احترام به حریم شخصی و حقوق انسانی و نیز بر احترام به آزادی فکر و بیان، تأکید کرد.
۱۰. تأکید بر حفظ محیط‌زیست: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر حفظ محیط‌زیست و حفاظت از آن به‌عنوان یکی از وظایف اجتماعی و دینی توجه داشت. وی به‌عنوان یکی از مفسران و توسعه‌دهندگان آیات قرآنی، به تأکید بر حفظ و نگهداری از محیط‌زیست و حیات حیوانات و گیاهان، تأکید کرد و آن را به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های اخلاقی و دینی انسان در قبال خلق و طبیعت دانست. وی به اهمیت احترام به محیط‌زیست و نیز به توجه به دیدگاه اسلامی در این زمینه، تأکید کرد.
۱۱. تأکید بر مبانی فقهی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر مبانی فقهی و قواعد شرعی در انجام امور دینی و اجتماعی توجه داشت. وی به تأکید بر تفکر و تدبیر در قوانین شرعی و احکام دینی و نیز به توجه به تفاوت‌های فردی و اجتماعی در تفسیر و اجرای این احکام، تأکید کرد. وی به‌عنوان یکی از علمای فقه و اصولی، به ترویج و تحقیق در زمینه‌ی فقه و احکام دینی و همچنین به بررسی و تحلیل مسائل اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه فقهی، تأکید کرد و آن را به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای حل مسائل اجتماعی و تحقق اهداف دینی دانست.
۱۲. تأکید بر آموزش و پرورش نسل جوان: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر آموزش و پرورش نسل جوان و تربیت روحی و اخلاقی آنان توجه داشت. وی به تأکید بر آموزش دینی و اخلاقیات اسلامی به نسل جوان و نیز به ترویج فرهنگ دینی و انسانی در بین جوانان، تأکید کرد. وی به‌عنوان یکی از مراجع تقلید و علمای دینی، به ترویج و تحقیق در زمینه‌ی آموزش و پرورش نسل جوان و همچنین به تحلیل چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در بین جوانان، تأکید کرد. وی به آموزش و پرورش نسل جوان، به‌عنوان یکی از مسائل اساسی و حیاتی برای آینده دین و اجتماع، توجه کرد و آن را به‌عنوان یکی از وظایف مهم دینی و اجتماعی در قبال نسل جوان دانست.
۱۳. تأکید بر اجتماعی بودن دین: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر اجتماعی بودن دین و تأکید بر ارتباط بین دین و اجتماع توجه داشت.
۱۴. تأکید بر اعتدال: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر اعتدال در تمامی امور و رفتارها توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه اعتدال، به معنای تعادل و توازن در رفتارها و عملکرد و نیز به توجه به میانه‌روی و اجتناب از هرگونه افراط و تفریط، اساسی برای تحقق هدف دینی است. او به تأکید بر اعتدال در رفتارها، تفکرات و نیز در اختلافات و مذاکرات بین افراد و گروه‌ها، تأکید کرد.
۱۵. تأکید بر اجتماع‌گرایی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر اجتماع‌گرایی و اهمیت تلاش برای تحقق هماهنگی و همکاری بین افراد و گروه‌ها در جامعه توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه جامعه، به‌عنوان یک ساختار اجتماعی، باید بر اساس اصول اسلامی و به‌منظور تحقق اهداف دینی و اجتماعی، توانایی همکاری و تعامل بین افراد و گروه‌ها را داشته باشد، تأکید کرد. او به ترویج فرهنگ اجتماعی و همکاری در جامعه و نیز به توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه، تأکید کرد.
۱۶. تأکید بر انسجام اجتماعی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر انسجام اجتماعی و اهمیت حفظ و تقویت این انسجام توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه انسجام، به معنای همبستگی و همدلی بین افراد و گروه‌ها در جامعه، بسیار مهم

است و به‌عنوان یکی از اصول اساسی دینی و اجتماعی، برای تحقق هدف دینی و اجتماعی ضروری است، تأکید کرد. او به ترویج فرهنگ انسجام و همبستگی در جامعه و نیز به توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، تأکید کرد.

۱۷. تأکید بر مبارزه با فساد: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر مبارزه با فساد و ترویج عدالت در جامعه توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه فساد، به‌عنوان یکی از مشکلات جدی در جامعه، باید برای تحقق اهداف دینی و اجتماعی، مورد مبارزه و پیگیری قرار گیرد، تأکید کرد. او به ترویج فرهنگ عدالت و شفافیت در جامعه و نیز به توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، تأکید کرد.

۱۸. تأکید بر پابندی به ولایت‌فقیه: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر پابندی به ولایت‌فقیه و اهمیت آن در تحقق هدف دینی توسعه و پیشرفت جامعه، توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه ولایت‌فقیه، به‌عنوان یکی از اصول اسلامی، برای تحقق هدف دینی و اجتماعی بسیار مهم است و باید از آن پابندی شود، تأکید کرد. او به توضیح اصول و مبانی ولایت‌فقیه و نقش آن در تحقق هدف دینی و اجتماعی، پرداخت.

۱۹. تأکید بر ترویج فرهنگ اسلامی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر ترویج فرهنگ اسلامی و اهمیت آن در تحقق هدف دینی و اجتماعی توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه فرهنگ اسلامی، به‌عنوان یکی از اصول اسلامی، برای تحقق هدف دینی و اجتماعی بسیار مهم است و باید در جامعه ترویج شود، تأکید کرد. او به توضیح مفاهیم، ارزش‌ها و اصول اسلامی و نیز به ترویج فرهنگ اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در جامعه تأکید کرد.

۲۰. تأکید بر ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی: آیت‌الله مصباح یزدی، به تأکید بر ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی در جامعه توجه داشت. وی به تأکید بر اینکه دانش و فرهنگ، به‌عنوان دو عامل مهم در تحقق هدف دینی و اجتماعی، باید در جامعه ترویج شود و سطح آن‌ها باید ارتقا یابد، تأکید کرد. او به توجه به آموزش و پرورش، ترویج فرهنگ علمی و پژوهشی، ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و دسترسی به منابع دانشی، تأکید کرد. همچنین وی به توجه به فرهنگ عمومی و ترویج فرهنگ مشارکت در جامعه، تأکید کرد.

رابطه‌ی دولت و ملت از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- نظام ایده آل در اسلام در خصوص دولت و ملت بر آن است که ضمن حفظ حقوق مردم در حوزه‌ی سیاست و اداره عمومی جامع و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی اصول و مبانی ارزشی و دینی را رعایت نمایند. آنچه ملاک اعتبار است رعایت قانون و اجرای قانون است.
- دولت متصدی تحقق اهداف جامع در چارچوب ارزش‌های دینی است.
- وضع مقررات برای نظم جامع، تأمین نیازهای مادی مردم و توزیع امکانات بین مردم و فراهم آوردن امکانات برای رسیدن یکایک مردم به کمالات معنوی است.

آیت‌الله مصباح یزدی، یکی از بزرگان دینی و سیاسی ایران، به بررسی نقش دولت و ملت در جامعه پرداخته است. وی به تأکید بر توازن مناسب بین دولت و ملت، برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، تأکید دارد. آیت‌الله مصباح یزدی، به دیدگاهی پویا از نقش دولت و ملت پایبند است و بر این اعتقاد است که دولت و ملت باید برای توسعه‌ی جامعه، در کنار یکدیگر کار کنند و تطبیق‌پذیر باشند. در نظریه دولت-ملت، دولت به‌عنوان نماینده قدرت و ملت به‌عنوان حامی قدرت محسوب می‌شوند

و باید با یکدیگر همکاری کنند تا به توسعه و پایداری جامعه دست یابند. در این نظریه، دولت به‌عنوان سرمایه‌گذاری برای توسعه و ملت به‌عنوان مجری این سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.

آیت‌الله مصباح یزدی به دیدگاهی پویا از نقش دولت و ملت پایبند است و برای اینکه دولت و ملت بتوانند به بهترین شکل همکاری کنند، باید توانایی تطبیق با شرایط جامعه را داشته باشند. این در حالی است که در نظریه دولت-ملت، نقش دولت و ملت به‌صورت ثابت و مشخص است و دولت به‌عنوان سرمایه‌گذاری برای توسعه و ملت به‌عنوان مجری این سرمایه‌گذاری تعریف شده‌اند. در مجموع، دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی و نظریه دولت-ملت، در برخی جنبه‌ها شباهت دارند و در برخی جنبه‌ها افتراق دارند.

نهادگرایی از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

□ ایشان معتقد است شئون حکومت به دودسته تقسیم می‌شود: یکی وضع قوانین و دیگری اجرای آن و بخش دوم به بخش مدیریت جامعه و امور قضایی تقسیم می‌شود.

□ کسانی که از جانب خداوند اذن حکومت را داشته و معصوم باشند می‌توانند در رأس هرم قدرت قرار گیرند که همان ولایت تشریحی یعنی ولایت قانونی است که وظیفه آن‌ها حفظ نظم و امنیت درونی جامعه و تصدی آن دسته از امور و شئونی که متصدی خاصی ندارد و برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم که همان تعلیم و تربیت است.

آیت‌الله مصباح یزدی، به بررسی نقش نهادها در جامعه پرداخته است. وی به تأکید بر توازن مناسب بین نهادها، برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، تأکید دارد. آیت‌الله مصباح یزدی به دیدگاهی پویا از نقش نهادها پایبند است و بر این اعتقاد است که نهادها باید برای توسعه‌ی جامعه، در کنار یکدیگر کار کنند و تطبیق‌پذیر باشند.

در نظریه نهادگرایی، نهادها به‌عنوان عوامل مهم در شکل‌گیری جامعه و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند و باید با یکدیگر همکاری کنند تا به توسعه و پایداری جامعه دست یابند. در این نظریه، نهادها به‌عنوان سازمان‌هایی که قوانین، قواعد و فرهنگ‌هایی را در جامعه شکل می‌دهند و برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، فعالیت می‌کنند، برجسته می‌شوند.

دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با نظریه نهادگرایی تشابه دارد، اما در برخی جنبه‌ها افتراق دارد. آیت‌الله مصباح یزدی به توازن مناسب بین نهادها، برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، تأکید می‌کند. او باور دارد که نهادها باید با یکدیگر همکاری کنند تا به توسعه و پایداری جامعه دست یابند، اما برخلاف نظریه نهادگرایی، او به دیدگاهی پویا از نقش نهادها پایبند است و بر این اعتقاد است که نهادها باید در کنار یکدیگر، تطبیق‌پذیر باشند و با توجه به شرایط جامعه، نقش‌های مختلفی را بازی کنند. وجه افتراق دیگر این است که در دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، نهادها به‌عنوان عواملی محوری در تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند، اما در نظریه نهادگرایی، نهادها به‌عنوان سازمان‌هایی که قوانین، قواعد و فرهنگ‌هایی را در جامعه شکل می‌دهند و برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، فعالیت می‌کنند، برجسته می‌شوند.

بنابراین، وجه تشابه دو دیدگاه در تأکید بر نقش مهم نهادها در تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی است. هر دو دیدگاه به توازن مناسب بین نهادها، برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، تأکید می‌کنند و می‌توانند به یکدیگر تکمیل‌کننده باشند. در نتیجه، برای دستیابی به توسعه و پایداری جامعه، نیاز است که نهادها با همکاری و تطبیق‌پذیری، نقش‌های مختلفی را بازی کنند و به بهترین شکل از منابع و قابلیت‌های موجود در جامعه استفاده کنند. با این حال، در دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، نهادها به دیدگاهی پویا پایبند هستند و باید توانایی تطبیق با شرایط جامعه را داشته باشند، در حالی که در نظریه نهادگرایی، نهادها

به‌عنوان سازمان‌هایی مشخص هستند که برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، فعالیت می‌کنند و قوانین، قواعد و فرهنگ‌هایی را در جامعه شکل می‌دهند.

سرمایه‌ی اجتماعی از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- سرمایه‌های اجتماعی از امور و شئون مهم و اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی بشر حکایت می‌کند. منظور از اجتناب‌ناپذیر بودن یعنی اینکه در طول تاریخ بشر جامعه‌ای پدید نیامده که یکی از این شئون خالی باشد و افراد با این امور ربط و پیوند دارند.
- ایشان نهادهای اجتماعی را به نهادهای اقتصاد، خانواده، حکومت و نهاد آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت افراد جامعه را دارد و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، تقسیم می‌کند.

سرمایه‌ی فرهنگی از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- مقوله فرهنگ مهم‌ترین مقومات جامعه است. مجموعه مایه‌هایی که رفتار او را از رفتار حیوانات متمایز می‌کند؛ شناخت باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتار و کردارها است. فرهنگ الهی به عالم هستی به‌عنوان امری غیرمستقل می‌نگرد که در ذات خودش فقیر و محتاج به غیراست.
- آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ‌سازان غربی، هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب است.

قدرت از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- قدرت به شکل هرمی است؛ کسی باید در رأس هرم باشد این امر در اندیشه‌ی سیاسی کلاسیک ممکن است ولی در اندیشه‌ی سیاسی مدرن اسلامی ممکن نیست.
- مدل حکومت ایشان حکومت اسلامی است.
- اگر تفکیک قوا برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت است؛ در اسلام ما می‌گوییم حاکم باید عادل و باتقوا باشد پس سوءاستفاده از قدرت معنا ندارد.
- اگر تفکیک قوا برای تصمیم کار است منجر به قدرت و تقسیم کارها اشکالی ندارد.

انتخاب عمومی از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- ایشان در مورد دموکراسی و مردم‌سالاری رسمی دینی در اندیشه سیاسی اسلام تأکید نمودند. ایشان معتقدند که گرچه به لحاظ ماهیتی و جوهری دموکراسی مورد‌پذیرش نیست بلکه دموکراسی به‌عنوان یک ایدئولوژی و مکتب شناخته می‌شود.
- اسلام به‌عنوان یک دین کامل نیازی به مکاتب و اندیشه‌های دیگر ندارد چون سیاست مسئول هدایت و سعادت‌مندی انسان‌ها است، نمی‌تواند سعادت انسان را به دموکراسی واگذار کرد؛ البته در دموکراسی به‌صورت شکلی مقبولیت حکومت تداوم حیات یک نظام سیاسی و رضایت‌مندی شهروندان از دولتمردان یک امر ضروری تلقی می‌شود.

نظریه‌ی عاملیت فردی اجتماعی از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

- فرد اصیل است و جامعه وجود، وحدت و شخصیت حقیقی ندارد و چیزی نیست بیش از یک مفهوم اعتباری که از وجود افراد انسانی و ارتباطات و مناسبات آنان انتزاع می‌گردد.

□ ایشان معتقد است که فردگرایی با قانونمندی جامعه سازگار نیست، امور اجتماعی قانونمند است و از سر تصادف روی نمی‌دهد و قوانین جامعه‌شناختی که هریک از آنها نمایانگر قانونمندی یکی از پدیده‌های اجتماعی است.

نظریه عاملیت فردی اجتماعی به این اعتقاد می‌رساند که فرد با تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی خود، در مسیر تحول و تغییر آن محیط نقش دارد. این نظریه در حوزه خطمشی گذاری عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیت‌الله مصباح یزدی، عالم بزرگ و دانشمند معروف ایرانی، نیز در حوزه خطمشی گذاری عمومی به بررسی نظریه عاملیت فردی اجتماعی پرداخته است. در ادامه، به بررسی دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی درباره نظریه عاملیت فردی اجتماعی در خطمشی گذاری عمومی می‌پردازیم: آیت‌الله مصباح یزدی در دیدگاه خود، به این نکته اشاره کرده است که نظریه عاملیت فردی اجتماعی، در خطمشی گذاری عمومی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. او معتقد است که اگر فرد بتواند با تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی خود، به تحولات و تغییرات بزرگ‌تر در جامعه کمک کند، می‌تواند به رشد و پیشرفت جامعه کمک کند.

به‌علاوه، آیت‌الله مصباح یزدی بر این باور است که فرد با رعایت اصول و مقررات دینی و اخلاقی، می‌تواند نقش مهمی در خطمشی گذاری عمومی ایفا کند. او معتقد است که اگر فرد بتواند با رعایت اصول دینی و اخلاقی، به‌عنوان نمونه‌ای برای دیگران باشد، می‌تواند در جامعه به‌عنوان فردی مؤثر و تأثیرگذار شناخته شود و به تحولات و تغییرات بزرگ‌تر در جامعه کمک کند.

با توجه به دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، نظریه عاملیت فردی اجتماعی می‌تواند در خطمشی گذاری عمومی به‌عنوان یکی از اصول مهم مورد استفاده قرار گیرد. به‌علاوه، با توجه به این دیدگاه، می‌توان درک کرد که در خطمشی گذاری، افراد به‌عنوان موجوداتی فعال و تأثیرگذار، نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند با تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی خود، به تحولات و تغییرات بزرگ‌تر در جامعه کمک کنند. در این راستا، رعایت اصول دینی و اخلاقی، به‌عنوان یکی از عوامل مهم در ایفای نقش مؤثر و تأثیرگذار در خطمشی گذاری عمومی مطرح می‌شود.

نظریه‌ی آشوب و دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی

نظریه آشوب در حوزه خطمشی گذاری عمومی، نظریه‌ای است که بر اساس آن، حتی تغییرات کوچکی در یک سیستم می‌تواند به تحولات و پیامدهای بزرگی در آینده منجر شود. در این راستا، آیت‌الله مصباح یزدی، عالم بزرگ و دانشمند معروف ایرانی، نیز در حوزه خطمشی گذاری عمومی به بررسی نظریه آشوب پرداخته است. در ادامه به بررسی دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با نظریه آشوب را بررسی می‌کنیم:

□ یکی از تفاوت‌های اساسی دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با نظریه آشوب، در بررسی تأثیرات سیاست‌های عمومی با توجه به اصول و قواعد دینی و فرهنگی کشور است. آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است که سیاست‌های عمومی باید با توجه به اصول و قواعد دینی و فرهنگی کشور صورت گیرد و نمی‌توان به‌طور کلی از این قوانین و مقررات صرف‌نظر کرد، درحالی‌که در نظریه آشوب، این موضوع مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تأثیرات تغییرات کوچک، بدون توجه به اصول و مقررات خاصی، بررسی می‌شود.

□ آیت‌الله مصباح یزدی به این نکته هم اشاره می‌کند که سیاست‌های عمومی ممکن است با شرایط و نیازهای جامعه و مردم تضاد داشته باشد و در این موارد نیز، نظریه آشوب می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تحلیلی مفید برای تحلیل و پیش‌بینی اثرات سیاست‌های عمومی استفاده شود، درحالی‌که این مسئله در دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به‌عنوان یک مسئله ثانویه در نظر گرفته می‌شود.

تعامل یا تقابل بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی با نظریه‌های خطمشی گذاری عمومی

- بنیادهای نظری نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی نیز، با بنیادهای نظریه‌ای معروف خطمشی گذاری در بعضی جنبه‌ها متفاوت هستند و در بعضی دیگر هم تشابه دارند. در ادامه، به بررسی این تشابه‌ها و تفاوت‌ها پرداخته می‌شود:
- نظریه نهادگرایی: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر اهمیت نهادها و نظام حقوقی و اجتماعی در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. از نظریه نهادگرایی نیز، تأکید بر نقش نهادها و سازمان‌ها در تعامل اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین، در این جنبه، بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی با نظریه نهادگرایی تشابه دارند.
 - نظریه سیستم‌های عمومی: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر تعامل بین بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و نیز تأثیر آن‌ها بر یکدیگر است. این جنبه با نظریه سیستم‌های عمومی که در آن تأکید بر تعامل بین اجزای یک سیستم و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر است، تشابه دارد.
 - نظریه سرمایه‌ای اجتماعی: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر اهمیت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در توسعه اقتصادی و سیاسی است. این جنبه با نظریه سرمایه‌ای اجتماعی که در آن تأکید بر نقش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در توسعه اقتصادی و اجتماعی است، تشابه دارد.
 - نظریه انتخاب عمومی: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش دولت در توزیع منابع برای رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی است. این جنبه با نظریه انتخاب عمومی که در آن تأکید بر نقش دولت در تصمیم‌گیری‌های عمومی و توزیع منابع است، تشابه دارد.
 - نظریه نخبگان: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش نخبگان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری دولت است. این جنبه با نظریه نخبگان که در آن تأکید بر نقش نخبگان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی است، تشابه دارد.
 - نظریه قدرت در سیاست‌گذاری: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش قدرت و تأثیر آن در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولت است. این جنبه با نظریه قدرت در سیاست‌گذاری که در آن تأکید بر نقش قدرت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی است، تشابه دارد.
 - نظریه آشوب: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر ضرورت پایداری به نظام و استقرار نظم اجتماعی و سیاسی است. این جنبه با نظریه آشوب تشابهی ندارد.
 - نظریه فناوری: در بنیادهای نظری آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر اهمیت فناوری و نوآوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این جنبه با نظریه فناوری که در آن تأکید بر نقش فناوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی است، تشابه دارد.
 - بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی با بنیادهای نظریه‌های معروف خطمشی گذاری متضاد نیستند، اما در برخی جوانب ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشند. این تفاوت‌ها ممکن است به دلیل محدودیت‌های موجود در بنیادهای نظریه‌های معروف خطمشی گذاری، تجربیات مختص به جامعه ایران و فرهنگ و تاریخ آن و یا تمرکز بیشتر بر بعضی جوانب خاص اجتماعی و سیاسی در بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی باشند؛ اما در کل، هر دودسته نظریه‌ها باهدف تحلیل و توصیف روابط اجتماعی و سیاسی در جامعه فعالیت می‌کنند و مفاهیم و اصول مشابهی را در بردارند. باین‌حال، در برخی موارد بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی با برخی بنیادهای نظریه‌های معروف خطمشی گذاری متضاد می‌توانند باشند. به‌عنوان مثال، نظریه نخبگان در نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی به نخبگان به‌عنوان گروهی

متمايل به تصميم‌گيري براي تحقق اهداف شخصي و گروهی اشاره شده است، درحالی که در بنيادهای نظریه‌های خطامشی گذاری معروف مانند نظریه دموکراسی، نخبگان به‌عنوان گروهی که قدرت تصميم‌گيري در دست آن‌هاست و می‌تواند منافع خود را به دست آورند، توصیف شده‌اند. همچنین، در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش نهادها و سازمان‌ها در سیاست‌گذاری و اقتصادی وجود دارد، درحالی که در بنيادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، بر نقش عوامل فردی و خانوادگی تأکید شده است. در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش نهادها و سازمان‌ها در سیاست‌گذاری و اقتصادی وجود دارد. به‌عنوان مثال، او به‌عنوان یکی از مؤسسان جمهوری اسلامی، بر ضرورت توسعه نظام اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر نقش دولت و سازمان‌های عمومی تأکید داشته است؛ بنابراین، در نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، نقش دولت و سازمان‌ها در تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم است. در مقابل، در بنيادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، بر نقش عوامل فردی و خانوادگی تأکید شده است. به‌عنوان مثال، در نظریه سرمایه فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی مانند تحصیلات، شغل، وضعیت اجتماعی و مهارت‌ها به‌عنوان عوامل مهمی شناخته شده‌اند که بر توانمندی فرد در زندگی و تأثیر آن در جامعه تأکید دارند. به‌عنوان یک مثال تطبیقی، می‌توان به نقش نخبگان در سیاست‌گذاری اشاره کرد. در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، نخبگان به‌عنوان گروهی متمایل به تصميم‌گيري براي تحقق اهداف شخصي و گروهی شناخته شده‌اند. درحالی که در بنيادهای نظریه‌های خطامشی گذاری معروف مانند نظریه دموکراسی، نخبگان به‌عنوان گروهی که قدرت تصميم‌گيري در دست آن‌هاست و می‌تواند منافع خود را به دست آورند، توصیف شده‌اند. این تفاوت می‌تواند به دلیل تمرکز بر مفهومی خاص از نخبگان در هر دو نظریه و یا تفاوت در تجربیات مختص به جامعه‌های موردبررسی باشد. همچنین، در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، بر تأکید نقش دولت و سازمان‌ها در تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است، درحالی که در بنيادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، بر نقش عوامل فردی و خانوادگی تأکید شده است. به‌عنوان مثال، در نظریه سرمایه فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی مانند تحصیلات، شغل، وضعیت اجتماعی و مهارت‌ها به‌عنوان عوامل مهمی شناخته شده‌اند که بر توانمندی فرد در زندگی و تأثیر آن در جامعه تأکید دارند. به‌عنوان یک مثال تطبیقی دیگر، می‌توان به نقش بازاری و کنترل اجتماعی اشاره کرد. در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، تأکید بر نقش دین و اخلاق در سیاست‌گذاری و تصميم‌گيري هاي اجتماعی وجود دارد. درحالی که در بنيادهای نظریه‌های لیبرال، تأکید بر حفظ حقوق فردی و آزادی انتخاب برای هر شخص و تقلیل نقش دولت و بازار آزاد دارد. در اینجا، تفاوت اساسی در دیدگاه نسبت به نقش دین و مذهب در جامعه و نقش دولت و بازار در اقتصاد و سیاست‌گذاری وجود دارد.

در کل، بنيادهای نظریه‌های مختلف خطامشی گذاری در برخی موارد با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها ممکن است به دلیل تمرکز بر بعضی مفاهیم و اصول، رویکردهای متفاوت در قضایای مختلف، تجربیات مختص به جامعه‌های موردبررسی و یا تمرکز بیشتر بر بعضی جوانب خاص اجتماعی و سیاسی در هر نظریه باشد. در ادامه، برخی موارد دیگر برای مقایسه تطبیقی بنيادهای نظریه‌های مختلف را بررسی خواهیم کرد:

□ نقش سیاست در جامعه: در بنيادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، سیاست به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به اهداف اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، او بر ضرورت توسعه نظام اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر نقش دولت و سازمان‌های عمومی تأکید داشته است. در بنيادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، نیز سیاست به‌عنوان یکی از عوامل مهم برای توسعه جامعه و ارتقای سطح زندگی افراد تلقی می‌شود. در این نظریه‌ها، سیاست‌گذاران و دولت به‌عنوان عواملی مهم در تأمین حقوق و محافظت از منافع اجتماعی

شناخته شده‌اند. با این حال، در بنیادهای نظریه‌های لیبرال، سیاست به‌عنوان یک فرایند انتخابی تلقی می‌شود که باید به حداقل ممکن رسانده شود و افراد باید حق انتخاب داشته باشند؛ بنابراین، در اینجا تفاوت در دیدگاه نسبت به نقش سیاست و دولت در تأمین حقوق و محافظت از منافع و توسعه جامعه وجود دارد.

□ نقش اخلاق و ارزش‌های فرهنگی: در بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، ارزش‌های دینی و اخلاقی به‌عنوان عوامل مهمی شناخته شده‌اند که باید در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در نظر گرفته شوند. به‌عنوان مثال، او بر تأکید بر ارزش‌های دینی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی تأکید داشته است. در بنیادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، نیز ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی به‌عنوان مهمی شناخته شده‌اند که باید در تربیت و آموزش افراد و توسعه جامعه در نظر گرفته شوند. این نظریه‌ها بر این باورند که ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی می‌توانند بهبود جامعه و توسعه آن را تسریع کنند. با این حال، در بنیادهای نظریه‌های لیبرال، ارزش‌های فردی مانند آزادی و حقوق فردی به‌عنوان اولویت بالاتر در نظر گرفته می‌شوند و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی به‌عنوان عوامل ثانویه تلقی می‌شوند؛ بنابراین، در اینجا تفاوت در اولویت و نقش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و توسعه جامعه وجود دارد.

□ نقش اقتصاد در جامعه: در بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، اقتصاد به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه جامعه تلقی می‌شود. او بر تأکید بر توسعه نظام اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر نقش دولت و سازمان‌های عمومی تأکید داشته است. در بنیادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، نیز اقتصاد به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه جامعه شناخته شده است و بر تأکید بر تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد تأکید دارند. با این حال، در بنیادهای نظریه‌های لیبرال، اقتصاد به‌عنوان یک فرایند بازاری تلقی می‌شود و دولت باید تنها به‌عنوان محرک و نظارت‌کننده بازار عمل کند. در این نظریه‌ها، تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی به عهده بازار و تأمین حقوق فردی است؛ بنابراین، در اینجا تفاوت در دیدگاه نسبت به نقش اقتصاد و دولت در توسعه جامعه و تأمین حقوق و محافظت از منافع افراد وجود دارد.

□ نقش تعلیم و تربیت در جامعه: در بنیادهای نظریه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، تعلیم و تربیت به‌عنوان عامل مهمی در توسعه جامعه و ارتقای سطح زندگی افراد تلقی می‌شوند. او بر تأکید بر آموزش و پرورش جامعه و تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها تأکید داشته است. در بنیادهای نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، نیز تعلیم و تربیت به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه جامعه شناخته شده‌اند.

مزایا و معایب بهره‌گیری از دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی در خط‌مشی‌گذاری آموزش و پرورش

نظریه‌ها و دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح در خط‌مشی‌گذاری عمومی آموزش و پرورش ایران می‌تواند به چندین شکل به نفع آموزش و پرورش در ایران باشد. در زیر به برخی از این منافع اشاره خواهیم کرد:

۱. از دیدگاه آیت‌الله مصباح، آموزش و پرورش باید بر اساس ارزش‌های دینی و اخلاقی صورت بگیرد. این دیدگاه می‌تواند برای تربیت نسلی به دنبال ارزش‌های اخلاقی و دینی قوی و پایدار مفید باشد که در جامعه ایجاد صلح و دوستی و حسن نیت را ترویج می‌دهد.

۲. دیدگاه آیت‌الله مصباح می‌تواند به‌سوی توسعه و ارتقای فرهنگ و هویت ملی، تقویت تفکرات انقلابی و پایداری اجتماعی بهره‌مند باشد.

از دیگر سو، استفاده از نظریه‌ها و دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح در خطامشی گذاری عمومی آموزش و پرورش ایران ممکن است به برخی معایب نیز منجر شود. به عنوان مثال:

۱. استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح ممکن است به نادیده گرفتن نیازهای واقعی جامعه منجر شود و در نتیجه خطامشی آموزشی به هدف مورد نظر نرسد.

۲. دیدگاه آیت‌الله مصباح به تأکید بر ارزش‌های دینی و اخلاقی اسلامی می‌پردازد که ممکن است باعث شود که مسائل غیردینی و غیراخلاقی در آموزش و پرورش نادیده گرفته شود.

۳. استفاده از دیدگاه آیت‌الله مصباح ممکن است به تضعیف نقش دانشگاه‌ها و محدودیت تنوع فکری در جامعه منجر شود که می‌تواند به کاهش کیفیت آموزشی و پرورشی منجر شود.

در نهایت، استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح باید با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی جامعه، با دقت و تعادل در نظر گرفته شود؛ چراکه اعمال یک دیدگاه یا نظریه بدون توجه به نیازها و وضعیت جامعه، ممکن است به جای کمک به توسعه و پیشرفت آموزش و پرورش، به ضرر آن بیافتد.